

درس نهم فارسی
موضوع: نوجوان باهوش
پایه: هشتم
دوره ی اول متوسط
تهیه کننده: زهرا چهارراهی
دیرستان: ۱۵ خرداد
استان: تهران
منطقه: ۴ تهران



نام‌ها و یادها

هسته

[نام] نیکو کرد بماند ز آدمی

وابسته، صفت بیانی

گروه اسمی
نهاد

بهتر است

که از او

بکزو ماند

خانه

[سرای]

زرنگار

طلا کاری شده

وابسته، صفت بیانی

گروه اسمی

معنی بیت: اگر نام نیکو از انسان به یادگار بماند بهتر از این است که خانه‌ای از طلا از او بماند.

بیت ۳ جمله است

نام‌ها و یادها

سعدی:

از بزرگترین شاعران و نویسندگان ایران است. **بوستان به شعر و گلستان به نظم و همراه با شعر و دیوان اشعار** از او برجای مانده است. مجموعه‌ی این آثار ((کلیات سعدی)) نامیده می‌شود.

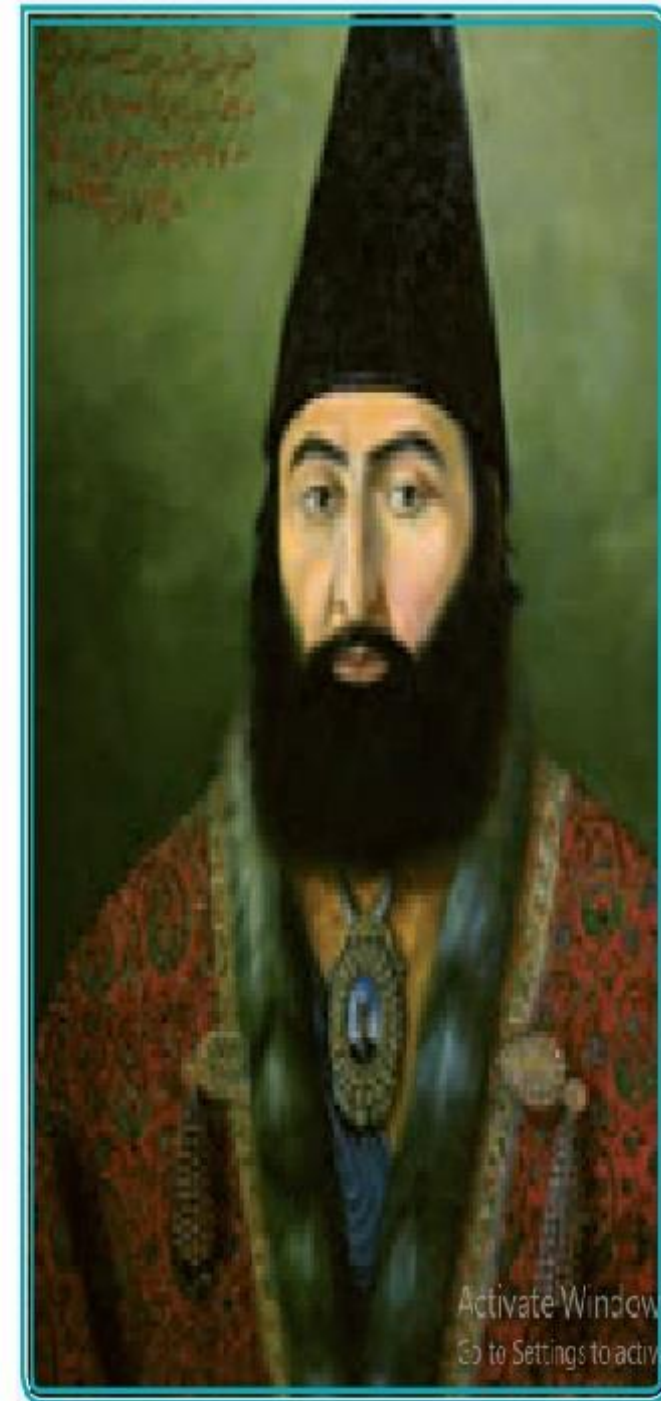
بوستان سعدی (سعدی نامه): منظومه‌ی سعدی شیرازی است، این منظومه به ده باب تقسیم شده است که منظومه ایست اخلاقی، اجتماعی و عرفانی

موضوع و محتوای درس:

- آشنایی بیشتر با بزرگانمان مانند قائم مقام، امیر کبیر،

زکریای رازی، سعدی و حافظ

- تشویق به کسب علم و دانش، دوری از جهل و نادانی



نوجوان باهوش



در مورد قائم مقام فراهانی
صدر اعظم ایران در زمان قاجار

میرزا ابوالقاسم فراهانی ^{هسته} (نوانایی) عجبی در (حفظ) اشعار و مطالب داشت. اگر شعری را تنها یک بار برای او می خواندند، آن را به طور کامل ^{متمم} حفظ می کرد. همین باعث شده بود که پدر بزرگش میرزا محمدخان که خود ^{هسته} (شاعری) سرشناس در شیراز بود، نوه اش را به همراه خود به (مجالس) شعرا برد. یک بار که قائم مقام به همراه پدر بزرگش به یکی از این مجالس رفته بود، (مردی) ^{صفت بیانی} خارجی را دید. پدر بزرگش او را به آن مرد معرفی کرد و به میرزا ابوالقاسم گفت: «برای ایشان شعری بخوان. وی فارسی را خوب می فهمد.»



نوجوان باهوش

۹

درس نهم

قائم مقام فراهانی پرسید: «قصیده بخوانم یا غزل؟» آن شخص گفت: «غزلی از

سعدی برایم بخوان.» **صبر کردن، درنگ کردن**

میرزا ابوالقاسم لحظه‌ای مکث کرد، چشمانش را بست و شروع به خواندن کرد:

«به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست»
شاد (تکرار) **تکرار**

تکرار

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست **۴ جمله**

معنی بیت: در جهان خوشحال هستم زیرا جهان و خرمی و شادی آن را خدا آفریده است. من عاشق جهان و آفریده‌های آن هستم زیرا جهان و آفریده‌های آن را خداوند خلق کرده است.

به حلاوت بخورم زهر که شاهد سانی است
شیرینی **بخش‌کننده**
تضاد **زیبارو، منظور خداوند**

به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست» **۴ جمله**
میل **تضاد**

معنی بیت: با شیرینی و علاقه زهر را می نوشم زیرا معشوق زیباروی من (خدا) آن را تعارف می کند. با تمام وجود دردها را تحمل می کنم زیرا که درمان همه‌ی دردها، معشوق زیباروی من (خداوند) است.

آرایه‌های بیت: ۱) تضاد ۲) مراعات نظیر (درد، درمان، زهر)



نوجوان باهوش

۹

درس نهم

کنایه از خوشحال شدن طرز سخن گفتن خیلی خوب است
آن مرد از شادی چشمانش درخشید و با لجه خاصی گفت: «فوق العاده است!».

پدر بزرگ قائم مقام گفت: «شعر سعدی فوق العاده است یا شعر خوانی میرزا ابوالقاسم؟»

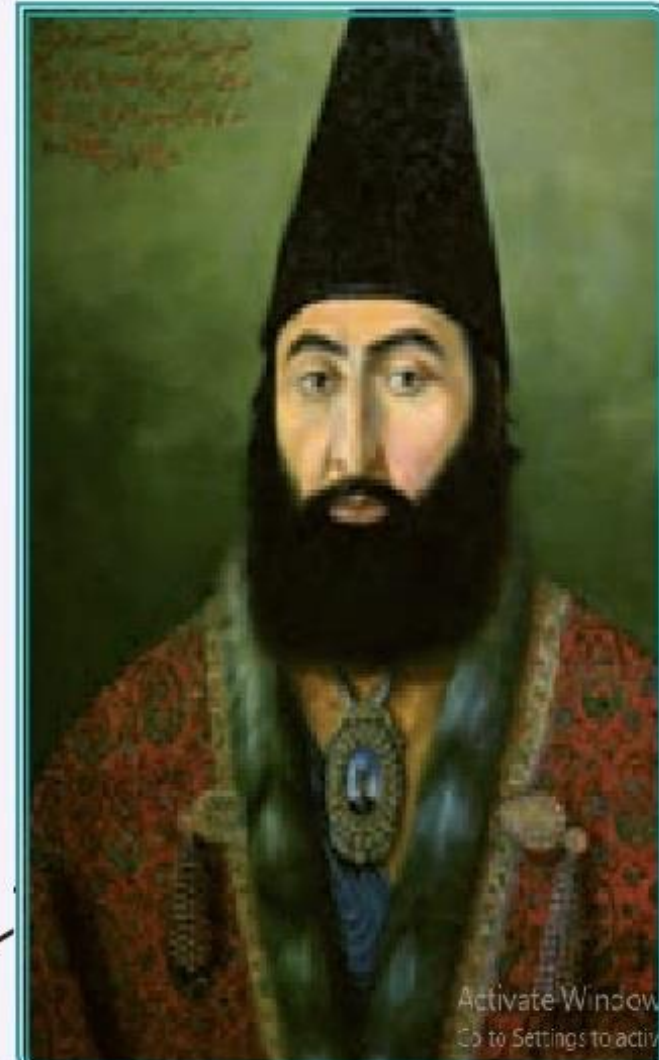
آن خارجی گفت: «هر دو، هم شعر سعدی و هم شعر خوانی نوه شما...».

وقتی آن شخص پی برد که میرزا ابوالقاسم در ریاضی، فلسفه، حکمت و علوم قرآنی نیز
توانایی بی مانند ^{فهمید} ارزش ^{دانش، معرفت}

استعداد بی نظیری دارد، گفت: «قدر این نوجوان را بدانید. من ^{مراعات نظیر} (آینده) درخشانی برای او

می بینم». آری قائم مقام به کمک هوش و ^{گروه اسمی} (استعداد) سرشار خود بعدها یکی از ^{گروه اسمی} (مردان نامی)

کشورداری و سیاست شد. ^{گروه اسمی} معروف ^{گروه اسمی}



در مورد امیر کبیر

آشپز زاده وزیر

۹

درس نهم

سکوت را می شکست کنایه از
وجود سرو صدا

سرو صدا تضاد
هیاهوی کلاغ ها سکوت باغ را می شکست

برف به آرامی می بارید. صدای کلاغ ها گوش محمد تقی را آزار می داد؛ صدای استاد را از پشت درهای بسته به سختی می شنید.

روزهای زیادی بود که محمد تقی سینی غذا بر سر می گذاشت و فاصله آشپزخانه تا مکتب خانه را یک نفس طی می کرد. غذا را به اتاق می برد؛ پشت در می نشست و به بهانه کنایه از بدون وقفه بردن ظرف ها، به گفته های استاد گوش می سپرد. کنایه از گوش کردن چون قلم و کاغذی برای نوشتن نداشت، تشبیه ماضی استمراری شنیده ها را بر کاغذ ذهن می نوشت و در دل تکرار می کرد. مراعات نظیر



حاصل ماه‌ها پشت در نشستن و از سرما لرزیدن و دزدکی به درس گوش دادن،
کنایه از ناقص دانش دست و پا شکسته‌ای بود که اندک اندک در قلک ذهنش جمع شده بود.

تشبیه

هسته

باغ، دوباره طراوت و سرسبزی پیدا کرده بود. برگ‌های سبز، زیر نور
صفت بیانی

کرم خورشید می درخشیدند. شب تولد حضرت محمد ﷺ بود و قائم مقام فراهانی،
مهمان‌های زیادی را دعوت کرده بود. محمد تقی به جای پدر، سینی شربت را
برای مهمان‌ها برد. شربت‌ها را که داد، گوشه‌ای ایستاد تا طرف‌ها را جمع کند.



وضیعت

قائم مقام متوجه او نبود. داشت از استاد وضع درس بچه‌ها را می‌پرسید که استاد

رعایت ادب

گفت: «بچه‌ها با استعداد هستند». محمد تقی می‌دانست که استاد تعارف می‌کند.

شبه جمله

وقتی که قائم مقام گفت: «خب بد نیست / امتحانی بکنیم». محمد تقی خوشحال شد.

وابسته، مضاف الیه

هسته

[کاشف]

قائم مقام رو به پسرش کرد و گفت: «بلو بیستم محمد، لکل که بود؟»

گروه اسمی

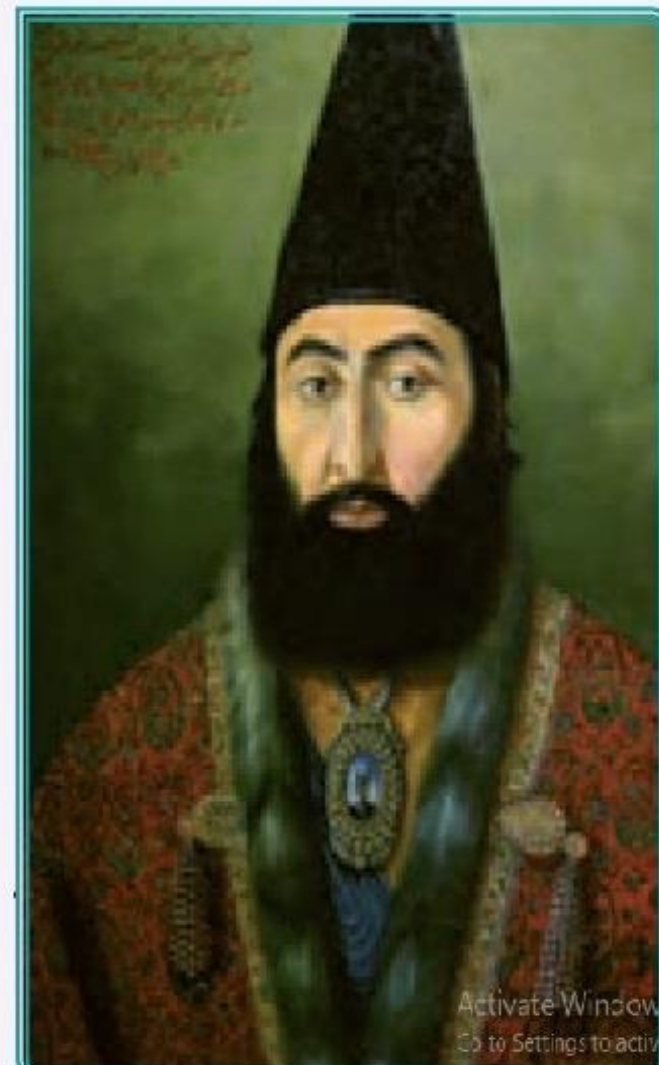
کنایه با دقت نگاه کرد

محمد سکوت کرد و از گوشه چشم به علی خیره شد. علی گفت: «من بلویم؟»

بلو، تو بلو! - معلوم است، ابن سینا.

با تاسف

نگاه تأسف بار قائم مقام چرخید روی برادر زاده اش و همان سوال را با نگاه از او پرسید.



آشپز زاده وزیر



اسحاق گفت: «خیر، ابن سینا که شاعر است، کاشف الکل...» و سکوت کرد و به سرش کوبید. اتفاقاً محمد تقی جواب آن سؤال را می دانست اما می ترسید بگوید. لب گزید و منتظر ایستاد، ولی با خود فکر کرد: «بگذار لیاقت یک شایستگی بچه آشپز را ثابت کنم». این بود که سینی را کنار نهاد و جلورفت و گفت: «اجازه هست من بگویم؟»
قائم مقام نگاهش کرد. همه سرها به طرف او برگشت.
_ بگو، اگر می دانی بگو!

محمد تقی سرش را بالا گرفت و گفت: «محمد بن زکریای رازی».

چشم های قائم مقام از تعجب باز ماند. گفت: «آفرین بر پسر کربلایی محمد قربان!».



آشپز زاده وزیر



قائم مقام روبرو بچه‌ها کرد و گفت: «این شعر از کیست؟»
در این درس منظور، حضرت محمد (ص) است بی قرار، ترسیده همدم همدم
ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده ما را اینس و مونس شد» ۳ جمله

و این بار هم چون هر کدام از بچه‌ها جواب غلط دادند، از محمد تقی پرسید. همه چشم‌ها به
با تعجب نگاه می‌کردند
دهان او خیره شده بود.

محمد تقی گفت: «این بیت از خواجه حافظ شیرازی است.»

خوشحال شدند فریاد شادی
جمعیت که از این جواب به وجد آمده بودند، بی اختیار دست زدند و هلهله و شادی کردند.

محمد تقی سرانجام توانست با تلاش و پشتکار فراوان به مقام صدراعظمی برسد و لقب امیر کبیر
محل پیدایش، اصل

امیر کبیر، فرهاد حسن زاده

بیاید و منشأ خدمات فراوانی برای کشور عزیزش ایران باشد.



وابسته ی پسین . صفت بیانی

مضاف الیه

هسته

دل رَمیده ی ما را ایش و مونس شد

گروه اسمی

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

معنی بیت : ستاره ای (دوست، در این درس منظور حضرت محمد(ص)) در آسمان تابید و ماه مجلس ما شد و مجلس ما را روشن کرد و برای دل های پریشان ما ، یار و همدم شد .



صفت بیانی

هسته مشهور

میرزا تقی خان امیر کبیر از مردان نامدار تاریخ ایران است. وی حدود سال ۱۲۲۲ ه. ق. در هزاوه

کنایه از مشهور بودن

تیز هوشی

فراهان متولد شد. در مورد هوش و ذکاوت امیر داستان‌های بسیار بر سر زبان‌هاست.

همه گیر شدن، آشکار شدن

در ماه صفر سال ۱۲۶۷ قمری به امیر کبیر اطلاع دادند که در شهر تهران بیماری آبله شیوع

مبارزه با آبله

پیدا کرده است. امیر فوراً دستور داد که در تمام شهر و روستاهای نزدیک، برنامه آبله کوبی

آبله: نوعی بیماری واگیر دار که به صورت

قاول روی پوست بدن، ظاهر می شود

اجرا شود تا بیماری گسترش پیدا نکند.



جهل = نادانی

نادانی باورهای غلط

چند روز پس از آغاز آبله کوبی به امیر خبر دادند که مردم از روی جهل و نادانی و خرافات

واکسن زده شده

خیلی

حاضر نیستند واکسینه شوند و در تمام شهر تهران فقط سیصد و سی نفر آبله کویده اند. امیر سخت

اتفاقا

فرزند

نگران شد. از قضا در همان روز مردی را که طفلش در اثر آبله مرده بود، به نزد او آوردند.

کسی که واکسن آبله می زند

امیر به پدرش گفت: «ما که برای نجات بچه هایمان آبله کوب فرستادیم». مرد با اندوه فراوان

ماضی بعید

گفت: «جناب امیر، گفته بودند اگر آبله بکوبیم، بچه جن زده می شود!».



مترادف

نادانی

امیر فریاد کشید: «وای از جهل و نادانی!». چند دقیقه بعد بقالی را آوردند که او نیز بچه اش مرده بود. این بار امیر دیگر نتوانست تحمل کند و شروع به گریه کرد.

بلند مخاطب قرار دادن

بعد از این ماجرا امیر کبیر با صدای رسا خطاب به اطرافیان گفت: «مسئول جهل مردم، ما هستیم. اگر ما در هر روستا و کوچه و خیابانی مدرسه بسازیم و کتابخانه ایجاد کنیم، این وضع پیش

نمی آید. تمام بچه های ایران، فرزندان حقیقی من هستند».

هسته و وابسته، صفت بیانی و وابسته، مضاف الیه

داستان هایی از زندگی امیر کبیر، محمود حکیمی



امیر کبیر:

وی از بزرگترین مردان سیاسی دوره ی قاجاریه است
، در تهران به صدر اعظمی ناصرالدین شاه رسید





فرهاد حسن زاده:

وی در سال ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد و اکنون در تهران ساکن است

در هفته نامه ی ((دوچرخه)) مسئول صفحه های ادبیات و طنز و از

اعضای هیئت موسس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان است



محمود حکیمی:

از جمله نویسندگان و پژوهشگرانی است که عمر خود را وقف پژوهش و مطالعه در حوزه ی معارف اهل بیت (ع) کرده است .

از آثار او می توان به زندگانی حضرت زینب (ع)، سیرت و شخصیت حضرت محمد (ص)، زندگانی حضرت امام حسین (ع)، داستان های آموزنده برای کودکان، آموزش کودکان نابینا، حس ششم، اشاره کرد .

همچنین در حوزه ی داستان ((وجدان))، ((به سوی ساحل))، ((پیام آور محبت)) از آثار اوست .

خودارزیابی

۱ سوالات قائم مقام فراهانی برای آزمایش فرزندانش چه بود؟

۱: کاشف الکل که بود؟ ۲: شعر ((ستاره ای)) از کیست؟

۲ ویژگی های مشترک امیر کبیر و قائم مقام فراهانی چیست؟

هر دو به مقام صدر اعظمی رسیدند، هر دو با هوش و ذکاوت بودند، هر دو با تلاش و کوشش خود به مقام بالایی رسیدند و توانستند با جهل جامعه مبارزه کنند.

۳ خدمات قائم مقام فراهانی و امیر کبیر به ایران چه بوده است؟

خدمات امیر کبیر: تاسیس مدرسه دارالفنون - اعزام دانشجویان به خارج از کشور برای تحصیل

- سامان دهی به قشون ایران و

۴

خدمات قائم مقام: تربیت امیر کبیر - رسیدگی به وضع امور مالی کشور - سازمان دهی

وضع سپاه و



به جمله‌های زیر، توجه کنید.

■ دانشجوی کوشا، مقاله خوبی نوشت.

■ باغبان مهربان، گل‌های صورتی را کاشت.

گروه‌های اسمی جمله‌های بالا را در جدول زیر، می‌بینیم.

گروه اسمی	گروه اسمی	جمله
مقاله خوب	دانشجوی کوشا	۱
گل‌های صورتی	باغبان مهربان	۲





در هر چهار گروه اسمی، کلمه‌ای که بعد از اسم آمده است، «صفت بیانی» است که دربارهٔ چگونگی و ویژگی‌های اسم، توضیحاتی را بیان می‌کند. صفت بیانی معمولاً پس از اسم

می‌آید و «وابستهٔ پسین» اسم به شمار می‌آید.

در نمونه‌های بالا واژه‌های کوشا، خوب، مهربان و صورتی، صفت بیانی هستند.

کلمه‌ای که بعد از هسته می‌آید اگر صفت باشد **صفت بیانی** نام دارد. صفت بیانی درباره‌ی ویژگی‌های اسم، توضیحاتی را بیان می‌کند. و معمولاً بعد از هسته می‌آید و **وابسته‌ی پسین** اسم است.

مثال

لباس زیبا : ← لباس : هسته ← زیبا : صفت بیانی
 کلاس بزرگ : ← کلاس : هسته ← بزرگ : صفت بیانی
 گل خوشبو : ← گل : هسته ← خوشبو : صفت بیانی



فعالیت‌های نوشتاری

۱ واژه‌های مهمّ املایی را از متن درس بیابید و بنویسید.

۲ در هر یک از جمله‌های زیر، صفت‌های بیانی را بیابید. پاسخ در اسلاید بعدی

■ زنان اندیشمند، در سربلندی ایران عزیز، نقش مؤثر داشته‌اند.

■ من آینده‌ای درخشان برای این نوجوان می‌بینم.

■ برگ‌های سبز، زیر نور گرم خورشید می‌درخشیدند.

۳ کلمات زیر را با صفت‌های بیانی مناسب، گسترش دهید.

نمونه: حرم ← حرم مطهر

کاشف بزرگ ایرانی
..... کاشف:

مطالب جالب درس فارسی
..... مطالب:

دریای آرام شمال
..... دریا:

لهجه‌ی زیبای دوست من
..... لهجه:



پاسخ سوال ۲ نوشتن :

۱) زنان اندیشمند، در سر بلندی ایران عزیز، نقش موثر داشته اند

الف) زنان اندیشمند : ← زن : هسته / اندیشمند : وابسته پسین، صفت بیانی

ب) سر بلندی ایران عزیز : ← سر بلندی : هسته / ایران، وابسته پسین، مضاف الیه

عزیز : وابسته ی پسین، صفت بیانی

ج) نقش موثر : ← نقش : هسته / موثر : وابسته ی پسین، صفت بیانی

۲) من آینده ای درخشان برای این نوجوان می بینم.

الف) آینده ای درخشان : ← آینده : هسته / درخشان : وابسته پسین، صفت بیانی

ب) این نوجوان : ← نوجوان : هسته / این : وابسته پیشین، صفت اشاره



۳) برگ های سبز، زیر نور گرم خورشید می درخشیدند.

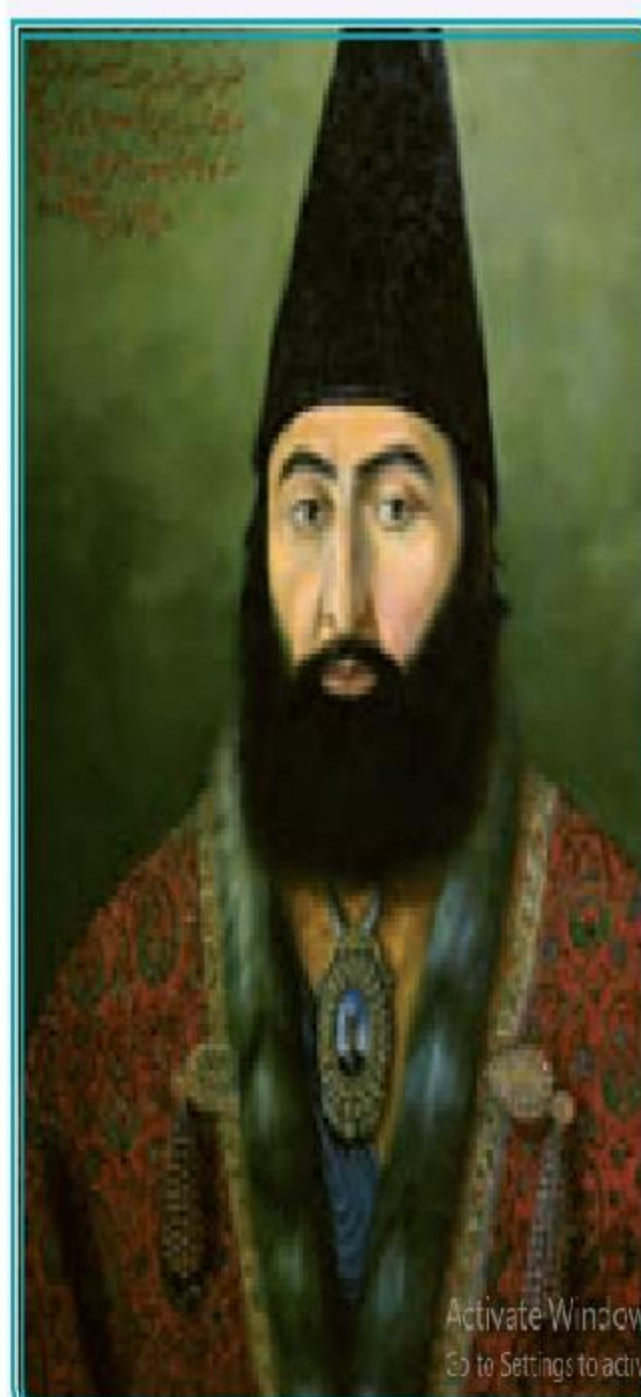
الف : برگ های سبز : برگ : هسته

سبز : وابسته ی پسین ، صفت بیانی

ب) زیر نور گرم خورشید : زیر : حرف اضافه / نور : هسته /

گرم : وابسته پسین ، صفت بیانی / خورشید : وابسته ی پسین ، مضاف

الیه /



شاد و قدرست باشید

چهارراهی

